

عنوان مقاله:

پیوند میان حافظ ایرانی و آموزه های نقد جدید غربی

محل انتشار:

مجله ادبیات پارسی معاصر، دوره 3، شماره 3 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

علی محمدی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

خلاصه مقاله:

اگر نگوئیم دانستن نظریه های ادبی بر هر دانشجو و پژوهنده ای که در جهان ادبیات کار و کوشش دارد، واجب است، نمی توان گفت که ندانستن آن، نقصی آشکار نیست. امروز ادبیات جهان بنا بر نظریه ها و نحله ها و مکتب ها خوانده می شود و این امر اتفاقا به فهم ادبی و فلسفی متن یاری می رساند. در این مقاله کوشش شده است با برخی از نظرها و اصول مقبول اندیشه های منتقدان غربی، رو به حافظ شود و حافظ با آن آرا و گفته ها از نو خوانده شود. در این خوانش، از منظر اصول مکتب کلاسیسیسم، فرمالیسم، ساختارگرایی و پساساختارگرایی و ادبیات سیاسی، به طور فراگیر از حافظ سخن رفته و نتیجه گرفته شده که متن حافظ، با دلایل موجه، متنی پیش رو، فراگیر، جامع الاطراف و زنده و پویانده است.

کلمات کلیدی:

حافظ، کلاسیک، فرمالیسم، ساختارگرایی، پساساختارگرایی و ادبیات سیاسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1279832>

